



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۶

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (روایات ناهیه قبول عمل سلطان) تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين و اللعن الدائم علی اعدائهم اجمعين

### خلاصه ما سبق

پیش از این روایات مجوزه (دال بر جواز قبول ولایت از طرف سلطان جائز و کارگزاری برای آن) مورد بررسی قرار گرفت و بیان شد که:

۱. از میان روایات صحیحہ تنها یک روایت اجمالاً معنای مورد نظر را می‌رساند. ولی آن روایت نیز که به نحوی جواز قبول ولایت را مبتنی بر نیت قرار داده بود، از این ناحیه که چگونه نیتی رافع عذاب الهی خواهد بود، اجمال داشت همانطور که اشاره شد امثال این مواضع، محل اطلاق گیری نیست چراکه چیزی (متعلق نیت) ذکر نشده است، بلکه باید به قدر متیقن اخذ کرد.

۲. از مجموع روایات مربوطه صرف نظر از ضعف و قوت سند آنها به منطق تواتر اجمالی و حساب احتمالات اطمینان به جواز قبول ولایت حاصل می‌شود، که در اینجا نیز باید به قدر متیقن یعنی اضطرار معیشتی یا امنیتی، اخذ کرد.

### دسته بندی روایات ناهیه

اصل اولی حرمت قبول عمل سلطان است و شاید انسب این بود که ابتدا به روایات ناهیه از آن می‌پرداختیم که در این جلسه اجمالاً در مورد به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

توضیح آنکه روایاتی که از عمل سلطان نهی می‌کنند به سه دسته قابل تقسیم هستند:

۱. روایاتی که خود عمل سلطان را به عنوان یکی از عناوین محرمه نظیر شرب خمر، زنا و... مطرح می‌کنند: اکثر این روایات از جهت سندی تام نیستند جز یک روایت (حدیث دهم، باب ۴۵ از ابواب ما یکتسب به) که بنا بر اینکه سند صاحب وسایل را به تفسیر علی بن ابراهیم صحیح بدانیم سند آن تام است و در ادامه به آن می‌پردازیم:



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۶

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (روایات ناهیه قبول عمل سلطان) تاریخ: ۱۳/۰۹/۱۳۹۹

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

اوسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۴۵- بابُ تَحْرِیمِ الْوَلَایَةِ مِنْ قِبَلِ الْجَائِرِ إِلَّا مَا اسْتُثْنِيَ - مجلد ۱۷، صفحه ۱۹۰

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْمٍ مِنَ الشَّيْعَةِ "يَدْخُلُونَ فِي أَعْمَالِ السُّلْطَانِ يَعْمَلُونَ لَهُمْ وَ يُحِبُّونَ لَهُمْ وَ يُوَالُونَهُمْ" قَالَ "لَيْسَ هُمْ مِنَ الشَّيْعَةِ وَ لَكِنَّهُمْ مِنْ أَوْلِيكَ" ثُمَّ قَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَذِهِ الْآيَةَ لَعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ إِلَى قَوْلِهِ وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ قَالَ الْخَنَازِيرُ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ الْقِرَدَةُ عَلَى لِسَانِ عِيسَى "كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ" قَالَ كَانُوا يَأْكُلُونَ لَحْمَ الْخَنَزِيرِ وَ يَشْرَبُونَ الْخُمُورَ وَ يَأْتُونَ النِّسَاءَ أَيَّامَ حَيْضَتِهِنَّ ثُمَّ اخْتَجَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤَالِينَ لِلْكَافِرِ فَقَالَ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ "يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ إِلَى قَوْلِهِ وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ" فَتَنَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُوَالِيَ الْمُؤْمِنُ الْكَافِرَ إِلَّا عِنْدَ التَّقِيَّةِ.<sup>۱</sup>

نکات روایت:

الف. مطابق تعبیر "يَدْخُلُونَ فِي أَعْمَالِ السُّلْطَانِ يَعْمَلُونَ لَهُمْ وَ يُحِبُّونَ لَهُمْ وَ يُوَالُونَهُمْ" این افراد نه تنها برای حکومت کار می کردند بلکه محبت و موالات آن ها را در دل داشتند نظیر برخی ساواکی ها در زمان طاغوت.  
ب. تعبیر "لَيْسَ هُمْ مِنَ الشَّيْعَةِ وَ لَكِنَّهُمْ مِنْ أَوْلِيكَ" کنایه از شدت حرمت کار آن ها است.  
ج. از تعبیر "كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ" استفاده می شود که گویی خود این کار منکر است.  
د. تنها استثنائی که از حرمت موالات بیان شده است، فرض تقیه است (فَتَنَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُوَالِيَ الْمُؤْمِنُ الْكَافِرَ إِلَّا عِنْدَ التَّقِيَّةِ).

نتیجه روایت: به استخدام طاغوت در آمدنی که به همراه محبت و موالات آن ها باشد، حرمت ذاتی دارد و تنها استثناء از آن، صورت تقیه است.

روایات دیگری نیز وجود دارد که اشکال سندی دارند از جمله روایتی که مربوط به قبول ولایت عهدی از ناحیه

<sup>۱</sup> اوسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۴۵- بابُ تَحْرِیمِ الْوَلَایَةِ مِنْ قِبَلِ الْجَائِرِ إِلَّا مَا اسْتُثْنِيَ - مجلد ۱۷، صفحه ۱۹۰

<sup>۲</sup> ﴿لَعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ خَالِدُونَ ﴿[المائدة: ۷۸-۸۰]



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۶

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (روایات ناهیه قبول عمل سلطان) تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

امام رضا علیه السلام می‌شود که طبق این نقل حضرت دلیل پذیرفتن آن را تقیه بیان می‌فرمایند که اشاره به این دارد که در غیر تقیه این امر جایز نیست.

۲. روایاتی که قبول ولایت را از باب غصبی بودن منصب (نه به عنوان عمل سلطان بما هو)، حرام می‌دانند (چراکه این جایگاه حقیقتاً مربوط به امام علیه السلام است):

الف. این دسته از روایات، منافاتی با روایات دسته اول ندارند و نظیر آن که کسی می‌تواند ای را از مسلمانی بگیرد و بخورد که در آن حرمت اکل هم به عنوان می‌تواند محقق شده، هم به عنوان غصب حق مسلمان.

ب. عنوان غصب، به خلاف عنوان قبل که شامل هر نوع کارگزاری برای حکومت جور می‌شد، تنها شامل کسانی می‌شود که منصب ولایی مانند وزارت، فرمانداری و... دارند، لذا کارمندان و کارگران جزء خدماتی مانند معلم آموزش و پرورش، آبدارچی و... از این جهت کار حرامی انجام نمی‌دهند.

ج. اگرچه روایات خاصه در این مساله از جهت سندی ضعیف هستند ولی مطابق قاعده است، چراکه این منصب مربوط به امام علیه السلام است و اشغال آن بدون اذن ایشان غصب و حرام است.

۳. روایاتی که قبول ولایت و کارگزاری برای حاکم جائز را از باب دخول در ظلم و نقصان در دین (عمل خلاف شرع) نهی می‌کنند:

الف. این دسته روایات نیز از جهت شمول، اگرچه اعم از مناصب ولایی و غیر آنها است ولی محدود به پست‌هایی است که ملازم با ظلم به عنوان اولی هستند.

ب. این مطلب نیز علی القاعده است و چیزی بیش از حرمت ظلم به عنوان اولی را بیان نمی‌کند و به نوعی ارشاد به همان عناوین اولی محسوب می‌شود.

ج. بسیاری از روایات خاصه این باب ضعیف السند هستند ولی روایات صحیح‌ای نیز وجود دارند مانند صحیح‌ه ابی بصیر (حدیث پنجم، باب ۴۲ از ابواب ما یکتسب به):



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۶

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (روایات ناهیه قبول عمل سلطان) تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

و عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ أَعْمَالِهِمْ فَقَالَ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَا وَ لَا مَدَّةَ قَلَمٍ إِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يُصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ شَيْئاً إِلَّا أَصَابُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ أَوْ حَتَّى يُصِيبُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ الْوَهُمُ مِنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ. وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبٍ مِثْلَهُ.<sup>۱</sup>

مراد از تعبیر "أَصَابُوا مِنْ دِينِهِ"، نقصان در دین است که به واسطه انجام اعمال خلاف شرع مانند ربا، ظلم و... ملازم با کارگزاری برای ظلمه برای انسان پیش می آید.

### نسبت روایات ناهیه با روایات مجوزه (بر فرض صحت آنها)

نسبت روایات مجوزه، که سابقاً مورد بررسی قرار گرفت، با هر دسته از روایات مانعه متفاوت و به شرح زیر است:

۱. رابطه روایات دال بر جواز قبول منصب نسبت به دسته اول از روایات ناهیه: روایات مجوزه مخصص روایات مانعه محسوب می شوند و فرض اکراه و خدمت به شیعه را از حکم حرمت عمل سلطان اخراج می کند.

۲. رابطه روایات دال بر جواز قبول منصب نسبت به دسته دوم از روایات ناهیه: روایات مجوزه وارد بر روایات مانعه است، چراکه وجود این روایات به معنای اذن امام در آن فروض است، و با اذن امام موضوع غصب حقیقتاً رفع می شود.

۳. رابطه روایات دال بر جواز قبول منصب نسبت به دسته دوم از روایات ناهیه: در روایات مجوزه، دلالتی نسبت به تجویز ظلم نداشتند. بلکه، ممکن است از باب تزاحم با امر اهم قبول ولایت ولو ملازم با ظلم باشد، جایز یا حتی واجب شود، مانند اینکه نجات جان امام علیه السلام متوقف بر نفوذ در تشکیلات ظالمانه و قهراً تحقق برخی عناوین حرام همراه باشد. به بیان مرحوم امام این احتمال وجود دارد که روایاتی که عمل سلطان را در فرض خدمت به شیعه تجویز کرده اند ناظر به شرایطی بوده باشد که اصل شیعه و کیان مذهب در خطر بوده است نظیر اینکه اگر کفار با سپر قرار دادن مومنین در صدد غصب کیان اسلامی باشد، حرمت قتل مومن برداشته می شود.

### بررسی ملازمه بین جواز تکلیفی قبول منصب و نفوذ وضعی تصرفات

<sup>۱</sup> وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۴۲ - بَابُ تَحْرِیمِ مَعُونَةِ الظَّالِمِینَ وَ لَوْ بِمَدَّةِ قَلَمٍ وَ طَلَبِ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ الظُّلْمِ - مجلد ۱۷، صفحه ۱۷۹



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۶

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (روایات ناهیه قبول عمل سلطان) تاریخ: ۱۳/۰۹/۱۳۹۹

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

دو صورت در اینجا مورد بررسی است:

۱. جواز تکلیفی را محدود به قدر متیقن یعنی حالت اضطرار معیشتی یا امنیتی یا فرض تراحم با امر اهم بدانیم (چنانچه بیان شد که مدلول روایات صحیحه و قدر متیقن از مجموع روایات فارغ از نظر به سند بیش از این نیست):

در اینجا مشروعیت به اندازه ضرورت یا تراحم تحقق پیدا می کند، بنابراین با توجه به اینکه با رفع حرمت تکلیفی این میزان تحقق میابد، دلیلی بر نفوذ تصرفات و صحت وضعی آن ها نداریم. نظیر آن که اگر کسی بر طلاق اکراه شد، طلاق شرعا نافذ واقع نمی شود یا نظیر اینکه تجویز شرع برای دخول در دار غصبی به خاطر انقاذ جان مومن، دلیل بر صحت نماز شخص در آن نمی باشد (بر فرض بطلان نماز در دار غصبی).

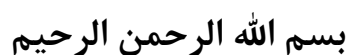
۲. موارد جواز را اوسع از قدر متیقن و شامل صورت خدمت به شیعه یا مطلق نیت خیر بدانیم:

اولا تجویز عمل سلطان برای خدمت لزوما به معنای نفوذ تصرفات نیست، لذا اگر کسی که دارای شرایط منصب قضاوت نیست یا مراجعین او را دارای شرایط آن نمی دانند، به خاطر خدمت به مومنین منصب قضاوت را قبول کرده باشد، نمی توان برای نفوذ قضاوت او تمسک به روایات دال بر جواز اخذ منصب کرد، چراکه نفوذ تصرفات تابع ملاکات دیگری است.

ثانیا بر فرض اینکه تلازم عرفی بین تجویز عمل سلطان و نفوذ تصرفات او در مورد اموری که اجازه آن به دست امام است (مانند تصرف در اموال عمومی، انفال، مباحات عامه و مجهول المالک) بدانیم:

الف. مشروعیت تصرفات شخص محدود به همان خدماتی است که به خاطر آن ها عمل او برای سلطان تجویز شده است و نمی توان آن را به مطلق تصرفات او تسری داد.

ب. مشروعیت تصرفات محدود به خود شخصی است که با این هدف تصدی منصب کرده است، و شامل تصرفات حاکم جور و دیگر عمال او نمی شود. بنابراین با تمسک به این روایات نمی توان گفت چون حکمت صدور آن ها تسهیل امور مومنین و ایصال خدمت به آن ها بوده است، مطلق خدماتی که به مومنین از ناحیه حکام جور ارائه می شود تنفیذ شده است.



## درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

جلسہ: ۲۶

**موضوع:** بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (روایات ناهیه قبول عمل سلطان) **تاریخ:** ۱۳۹۹/۰۹/۱۳

استاد: محمد سعید واعظی حفظہ اللہ

## نکته پایانی

ملاکات سه گانه در روایات ناهیه در مورد حکام مملکت کفر نیز برقرار است. بنابراین استخدام برای آن‌ها نیز اگر به خاطر اکراه، اضطرار یا خدمت به مومنین (در فرض پذیرش) نباشد، جایز نیست. معامله با دولت‌های کفر نیز از باب مشروعیت بیع و شراء با آن‌ها نمی‌تواند صورت بگیرد. بله، از باب استنقاذ مال از کافر و استحلال مال کافر این امر امکان‌پذیر است.